

## بیانیه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و هشتمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند  
رفتند و شهر خفته ندانست کیستند  
فریادشان تموج شط حیات بود  
چون آذرخش در سخن خویش زیستند  
مرغان پر گشوده ی طوفان که روز مرگ  
دریا و موج و صخره بر ایشان گریستند  
می گفتی ای عزیز! سترون شده ست خاک  
اینک ببین برابر چشم تو چیستند  
هر صبح و شب به غارت طوفان روند و باز  
باز آخرین شقایق این باغ نیستند

(محمدرضا شفیعی کدکنی)

در تاریخ جنبش رهایی بخش مردم ایران رویدادهایی وجود داشته که به علت نقش بی بدیل آن خود را به عنوان نقطه عطف به ثبت رسانده اند. رستاخیز سیاهکل یکی از این رویدادهاست. حماسه پرشور سیاهکل در روز دوشنبه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹، در کوههای دیلمان و در شهرک سیاهکل اتفاق افتاد. در این روز یک دسته کوچک چریکی به فرماندهی رفیق علی اکبر صفایی فراهانی به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل حمله کرده و آن را خلع سلاح کردند. در سلسله درگیریهای نابرابر پس از ۱۹ بهمن، رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی در نبرد با مزدوران ژاندارمری به شهادت رسیدند و ۶ رزمنده دیگر به اسارت درآمدند که همراه با ۷ تن دیگر که در روزهای پیش از ۱۹ بهمن دستگیر شده بودند، پس از شکنجه های بسیار در بیدادگاههای فرمایشی محاکمه و در سپیده دم روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ به جوخه اعدام سپرده شدند.

در این روز رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی و هوشنگ نیری جان خود را برای آزادی و رهایی خلق محروم ایران فدا کردند.

حماسه سازان فدایی با عمل جسورانه و بن بست شکنانه خود دوران جدیدی را در جنبش کمونیستی و رهایی بخش مردم ایران به ثبت رساندند. آنان یک ضربه سیاسی - روانی به فضای خفقان و اختناق که دیکتاتوری شاه طی سالهای پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ایجاد کرده بود، وارد کرده و این رویداد سترگ آغازی بر تغییر معادله قدرت مطلق رژیم و ضعف مطلق مردم شد.

تنها ابزار و سلاح شاه و کارگزاران امنیتی در مواجهه با جنبش فدایی، کشتار سبعمانه و ددمنشانه برای خاموش کردن آتش فروزانی بود که حماسه سازان سیاهکل برافروخته بودند. آنان غافل بودند و نمی دانستند شرایطی که محصول عملکرد خودشان است، زمینه عینی برای رشد نیروهای انقلابی ایجاد کرده و وقتی چشم و گوششان باز شد که پیشرو ترین زنان و مردانی که قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید، به این جنبش پیوستند. مدتی کوتاه پس از رستاخیز سیاهکل، هنگامی که ساواک به سازمان مجاهدین خلق ایران در شهریور ۱۳۵۰ ضربه وارد کرد، معلوم شد که راه مبارزه مسلحانه به وسیله سازمانهای انقلابی دیگر نیز پیموده می شود.

جنبش قدرتمند چریک‌های فدایی خلق ایران تاثیری شگرفی در سپهر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران داشت.

برجسته ترین فعالان هنری در عرصه شعر، موسیقی و سینما در سالهای پس از حماسه سیاهکل تا انقلاب مردم ایران در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، آثار ارزشمندی خلق کردند که مضمون آن ستایش از جنبش چریکهای فدایی خلق بود. در شرایط پس از حماسه سیاهکل تحول مهمی در شعر فارسی به وجود آمد که شاعر برجسته، محمد رضا شفیعی کدکنی از آن با نام «دورهٔ سیاهکل» یاد می کند. شاعران پُرآوازه ای همچون احمد شاملو، نعمت میرزازاده، اسماعیل خویی، سعید سلطانپور، خسرو گل سرخی و ... پیرامون این رویداد سترگ آثاری فراموش ناشدنی آفریدند. دو سال پیش در چهل و ششمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، چهار شعر منتشر نشده از نویسنده برجسته، باقر مومنی که در آن سالها سروده شده، از جانب ما انتشار یافت.

ترانهٔ جمعه، که شاعر آن شهیار قنبری است و با صدای فرهاد مهرداد به بازار آمد، زبانزد جامعه روشنفکری ایران و بخشهای زیادی از مردم شد.

فیلم فراموش نشدنی گوزنها، ساخته مسعود کیمیایی که در آن پری زنگنه ترانه گنجشگک اشی مشی را خوانده است، در ستایش رویداد جنبش چریکی آن دوران ساخته شد. شعر ترانه گنجشگک اشی مشی را شاعر کازرونی، حسن حاتمی سروده و آهنگ آن از اسفندیار منفردزاده است.

ترانهٔ جنگل (ترانهٔ فیلم خورشید در مرداب) با صدای داریوش اقبالی، که شعر آن را ایرج جنتی عطایی سروده و آهنگ آن ساخته بابک بیات است، از ترانه های بیادماندنی آن دوران است.

ایرج جنتی عطایی در توصیف شرایط سرودن این شعر می گوید: «این ترانه در رابطه با سیاهکل سروده شده. در آن دوره در تهران پوستر چاپ شده بود و دنبال چریکها می گشتند. بعد ماجرای تعقیب شان در جنگل و تیراندازیهای که پیش آمد و این موضوع که می گفتند بخشی از روستاییهای آن جا هم کمک کرده بودند به پلیس برای دستگیری چریکها و آنها هم البته اذیت و آزاری به روستاییها نرسانده بودند. تمام این موضوعات و خبرها در من غلیان کرد و آن ترانه را نوشتم.» (ویکی پدیا)

ما هر سال واکنش یکسان شاه و خمینی را یادآوری می کنیم که مَهر تایید بر نقش مهم رستاخیز سیاهکل و جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ می زند.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل..» موضع حقیرانه و ارتجاعی خمینی آن گونه بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

امروز ما نه بر سیبیل اغراق که با توجه به مضمون مبارزه حماسه سازان سیاهکل بر این اعتقادیم که «آفتابکاران جنگل» در قیامهای پرشکوه مردم تکثیر شده است و زهی خیال باطل آن کسانی که با نفی مبارزه و کارنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷، به بارگاه صاحبان زر و زور پیام می فرستند. ما در بیانیه به مناسبت چهل و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل که در بهمن سال ۱۳۹۰ منتشر شد نوشتیم: «معرکه گیران دربار خامنه ای و تئوریسینهایی که به نابودی چپ و بی بدیل بودن نو-لیبرالیسم عنان گسیخته ایمان آورده اند، می کوشند تا سیمای جنبش فدایی در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ را مخدوش کنند. اما این تلاشهای مذبوحانه که

آبشخور آن نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است، هرگز نتوانسته واقعیت را زیر انبوه چرندیاتی که تحت عنوان «تحقیق» و «بررسی تاریخی» منتشر شده، پنهان کند.»

راست این است که خونی که از پیکر این جنبش بر زمین ریخته شد، بذر شورش و خروش ستمدیدگان و سرکوب شدگان را در ایران زمین پراکند. زنان و مردان آزادیخواه و انقلابی که برای رهایی مردم ایران پیکار می کنند، هرگز بر دستاوردهای مثبت آن مبارزه مرگ و زندگی خط بطلان نمی کشند و برعکس پرچم سرخی که بر آن شعار «قیام برای رهایی» نگاشته شده را بر دوش می کشند. زنان و مردانی که «با خیزشهای حماسی خود پایه های استبداد مذهبی و سلطنت مطلقه خامنه ای را به لرزه درآورده اند، آنهایی که با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه»، «مرگ بر خامنه ای» و «زنده باد آزادی»، اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفته اند، آنها که برخلاف سازشکاران و فرصت طلبان دل به تغییر و تحول از درون نظام ولایت فقیه نبسته اند، آنهایی که تن به حقارت ندادند و بر طناب دار بوسه زدند، درس حماسه سازی رستاخیز سیاهکل را به روز کردند.» (همان جا)

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و نهمین سال حیات خود یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه های دار، در پیکار با دشمن و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

ما به زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستیم و خاطره تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواستهای ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند را گرامی می داریم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از مقاومت و پایداری زندانیان سیاسی و عقیدتی پشتیبانی کرده و همبستگی خود را با آنان اعلام می کند. ما از مبارزه و مقاومت خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی آنان حمایت می کنیم و احترام و ستایش خود را تقدیم آنان می کنیم.

هموطنان!

در سال گذشته و پس از خروش قدرتمند تهیدستان در دی ماه ۱۳۹۶ در بیش از ۱۵۰ شهر، تضاد توده های مردم با دیکتاتوری حاکم افزایش بی سابقه ای پیدا کرد. دو مولفه مهم در جامعه همچنان بر شرایط سیاسی حُکم می راند. حکومت قادر نیست به شکل گذشته ادامه حیات دهد و مردم نیز نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند. این دو مولفه بحران و شرایط انقلابی و یا بحران غیرقانونی است که به طور روزانه خود را نشان می دهد. ستیز توده ها با حاکمیت در تمامیت آن، تضاد بین قدرت حقیقی و قدرت حقوقی، تضاد بین مناسبات بورژوازی حاکم با روبنای ناسازگار سیاسی (استبداد دینی) و تضاد نظام جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر (آمریکا، اروپا و خاورمیانه) شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرده است. در تاریخ صد ساله کشور ما، هیچگاه تضادهای اساسی جامعه به این میزان عمیق و درهم تنیده نبوده است.

ما بارها گفته ایم و تکرار می کنیم که نظام جهل و جنایت حاکم بر ایران توان و ظرفیت غلبه بر بحرانهای عمیقی که هر روز عمق و وسعت می گیرد را ندارد. مشغله حاکمیت و در راس آن ولی فقیه نه زندگی روزمره مردم، که حفظ نظام از طریق سرکوبی بیرحمانه و چپاول بی حد و مرز است. بیش از ۷۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق قرار دارند. بیکاری بیداد می کند و منابع و داراییهای کشور به وسیله حکام جنایتکار به طور کلنگی به حراج گذاشته شده است. سرمایه داران غارتگر، شرکتهای پیمانی، سپاه منفور پاسداران و مراکز ترویج و تبلیغ ارتجاع که به وسیله مشتی آخوند مرتجع و بیرحم اداره می شود، سرنوشت مردم این مرز و بوم را به بازی گرفته اند. در حالی که حاکمیت برای تامین اولیه ترین نیازهای مردم ایران هیچ اقدام موثری انجام نمی دهد، میلیاردها دلار را صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی به کشورهای دیگر می کند. مردم فریاد می زنند «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» و کارگزاران پلید جمهوری اسلامی و در راس آن خامنه ای، با کمکهای بی دریغ برای نجات بشار اسد تلاش می کنند.

در مقابل این اوضاع فاجعه بار مردم تسلیم نشده و روزانه با حرکت‌های اعتراضی خود رژیم را به چالش می‌کشند. ابعاد حرکت‌های افشار گوناگون مردم آن چنان گسترده شده که کارگزاران امنیتی و انتظامی رژیم بدان اعتراف می‌کنند.

پاسدار حسین رحیمی از سرکردگان نیروی انتظامی تهران بزرگ اعتراف می‌کند که در ۹ ماه اول سال جاری ۹۳۲ مورد تجمع در تهران بزرگ وجود داشته است. (ایلنا، دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۷) سرکرده نیروی انتظامی استان خوزستان نیز به ۶۵۰ حرکت اعتراضی کارگری طی همین مدت اعتراف می‌کند. (ایرنا، دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷)

بنا بر یک ارزیابی محتاطانه طی یکسال پس از خیزش‌های دی ماه ۱۳۹۶، بیش از ۳ هزار حرکت اعتراضی به اشکال مختلف (خیزش و قیام شهری، اعتصاب، تجمع، راهپیمایی و ...) از جانب کارگران، معلمان، کشاورزان، بازنشستگان، پرستاران، کامیونداران و رانندگان ماشین‌های سنگین، دانشجویان، فعالان محیط زیست، غارت شدگان، اصناف و بازاریان، دستفروشان، خانواده‌های زندانیان سیاسی و فعالان سیاسی اجتماعی صورت گرفته است. این ابعاد عظیم از جنبش مردمی به اضافه فشار خارجی، تضادهای درون قدرت را آن چنان تشدید کرده که برخی از وابستگان به دربار خامنه‌ای به طور مستقیم حسن روحانی را خائن خطاب می‌کنند.

صف بندی و رودررویی باندهای شریک در قدرت و ثروت، مستقل از تصمیم و اراده سران، به طور ناگزیر روز به روز تشدید می‌شود و آن چه در این جدال به خوبی عیان می‌شود، ضعف و درماندگی خامنه‌ای برای مهار این کشاکش‌های فرساینده است.

این وضعیت چیزی کمتر از بحران انقلابی که در یک سال گذشته اعتلای نوینی پیدا کرد نیست و انکار آن یا از ضعف سیاسی ناشی می‌شود و یا از همپیوندی مستقیم و غیر مستقیم با حاکمیت.

مواضع ما پیرامون این شرایط شفاف و صریح است و همان گونه که در بیانیه سال قبل در سالگرد رستاخیز سياهکل و در بیانیه توضیحی «پیرامون قیام سرنوشت ساز کارگران، تهیدستان و مردم آزادیخواه» اعلام کردیم: «ما قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می‌شماریم. سازمان ما ایجاد هسته‌های مخفی مقاومت، تشکیل هسته‌های کوچک رسانه‌ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته‌های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و ... را راهکارهای ایجاد بی‌شمار کانونهای شورشی می‌داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می‌کنیم.»

خواست اولیه و مقدم مردم ایران، سرنوشتی رژیم استبداد مذهبی حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک و استقرار یک نظام دموکراتیک و عرفی است.

ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه‌ای یافته، حمایت می‌کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می‌کنیم.

ما از جامعه جهانی، نهادهای مدافع حقوق بشر، سندیکاها و اتحادیه‌های نیروهای کار و از همه کشورهای جهان می‌خواهیم که کلیه مناسبات اقتصادی خود با رژیم ایران را مشروط به قطع شکنجه و اعدام و رعایت حقوق بشر در مورد شهروندان ایران کنند و حق مردم ایران برای تغییر رژیم حاکم به دست خودشان را به رسمیت بشناسند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنوشتی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می‌خواند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

سه شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۷ - ۵ فوریه ۲۰۱۹